

بسم الله الرحمن الرحيم

متن سخنرانی

با نگاهی عمیق‌تر خواهیم دید غدیر با بعثت گره خورده است، هم از منظر قرآنی و هم عقلانی؛ اگر بعثت می‌تواند موجب وحدت بیشتر مسلمین شود قطعاً غدیر هم چنین خاصیتی دارد؛ اگر این رخداد تاریخی نتواند این وحدت را ایجاد کند معلوم می‌شود مقصر ما هستیم که پیام و فلسفه غدیر را به خوبی تبیین نکرده‌ایم.

البته باید به یک نکته کلیدی توجه کنیم و اینکه نباید انتظار داشته باشیم جریان‌ات تفریطی و افراطی از تلقی نادرست خود درباره غدیر دست بردارند به ویژه اینکه رخداد غدیر رودر روی سقیفه است بنابراین طبیعی است برخی از اهل سنت به شدت نگاه منفی به غدیر دارند و می‌کوشند به هر شکلی یا اصل ماجرا را منکر شوند که جای انکار نیست و یا مفاد حدیث طلایی و پرپهای غدیر یعنی من کنت مولاه را از معنای خود خارج کرده و فقط به محبت و نصرت فروکاهش بدهند و بگویند مراد پیامبر(ص) این بود که هر کسی من محبوب و ناصر او هستم علی هم ناصر و محبوب او هست.

البته خود می‌دانند هرگز این معنا با شواهد قطعی قابل توجیه و قبول نیست، چون پیامبر(ص) خدا در مقام اتمام حجت هستند و هر آنچه را درباره اصل رخداد یا مفاد حدیث غیر از امر ولایتی که گفته شد و تفسیر آیه ۵۵ سوره مبارکه مائده است بگویند مسلماً با چالش‌های جدی مواجه و مردود و باطل است. اما بالاخره در جهان اهل سنت و در فضای فکری که زندگی می‌کنند، نباید انتظار داشت مفاد عمیق غدیر برای آنها فهم شود و به خود اجازه نمی‌دهند به بازخوانی واقعی غدیر بپردازند و در جهان تشیع هم کسانی که هیچانی برخورد کرده و مسئله را یکسویه می‌بینند طوری با غدیر برخورد می‌کنند، که موجب تفرقه جامعه مسلمین می‌شود، در حالی که سیره اهل بیت(ع) این طور نیست.

آیا در سیره اهل بیت(ع) از بانوی ما حضرت زهرا(س) و بعد امیرالمؤمنین(ع) گرفته تا امام حسن و امام حسین(ع) که همواره غدیر را نگه داشته و در قله دیده‌اند و همواره غدیر را تبیین و از آن دفاع کرده‌اند، تلقی و تفسیر از غدیر موجب تفرقه و اختلاف در جامعه اسلامی شده است؟ اگر کسی قرار است مطابق سیره آن حضرات رفتار کند باید از بدزبانی و بی‌عفتی کلام و تندخویی دست بشوید و

غدیر را در همان سمت و سویی تبیین کند که حضرات معصومین(ع) به عنوان وارثان حقیقی غدیر تبیین و تفسیر کرده‌اند و از ایشان الگو بگیرند.

در گام بعد باید سراغ علمای بزرگی برویم که در مورد غدیر تحقیق کرده و کتاب نوشتند و به شبهات پاسخ دادند، آیا کار آنها سبب تفرقه شد؟ بلکه موجب تبیین و توضیح رخداد غدیر و اتمام حجت برای دیگران شد مانند «الشافی فی الامامه» که جناب سیدمرتضی برادر سیدرضی در قرن ۵ نوشت و همه شبهاتی که درباره غدیر گفته شده و یا ممکن است گفته شود از سوی ایشان عالمانه، مؤدبانه، منصفانه و محققانه و واقع‌بینانه جواب داده شده و بعد از او شیخ طوسی است تا در ادامه به روض‌الجنان ابوالفتوح رازی در قرن ششم می‌رسیم و در قرن اخیر به المراجعات شرف‌الدین عاملی و الغدیر علامه امینی می‌رسیم. آیا این نگاشته‌ها و تحقیقات موجب تفرقه شده است؟ خیر زیرا واقع‌بینانه، عالمانه و منصفانه و طبق مدارک و اسنادی است که در خود منابع اهل سنت وجود دارد و ما اگر ما با این خط مشی پیش برویم غدیر می‌تواند موجب وحدت بیشتر بین مسلمین شود و چالش تفرقه را براندازد.

پیوند رخداد غدیر با آیه ابلاغ «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (۶۷ مائده) بسیاری از شبهات ابهامات رخت برخواهد بست؛ گاهی حدیث غدیر را به خودی خود می‌بینیم که صدها سند دارد ولی گاهی می‌خواهیم درباره غدیر به قرآن کریم استناد کنیم و به آیات ۳، ۵۵ و ۶۷ مائده استناد می‌کنیم، همچنین اگر به مدارک و منابع اهل سنت رجوع کنیم از ۹ صحابی و حداقل ۴ تابعی، پیوند غدیر را با آیه ابلاغ خواهیم دید. زیدبن ارقم، ابوسعید خدری، عبدالله بن عباس، ابن مسعود، جابر بن عبدالله، ابوهریره، براء بن عاذب و حذیفه یمانی و ... در طبقه صحابی و ابوحمزه ثمالی و امام باقر(ع) و امام صادق(ع) و ... در طبقه تابعین از جمله کسانی هستند که بین آیه شریفه و غدیر پیوند برقرار کرده‌اند البته امام باقر و امام صادق(ع) سخنها در ردیف سخن پیامبر(ص) است و ما براساس منابع اهل سنت آنها را در ردیف برخی تابعین مطرح کردیم.

اگر کسی با این زاویه به غدیر بپردازد و آیه تبلیغ را بررسی کند شبهات رخت بر بسته و منصفان را به وحدت در می‌آورد و جایی برای تفرقه وجود نخواهد داشت. بنابراین اگر غدیر عاملی برای تشدید اختلاف در جایی باشد به خاطر سویه‌های بدبینانه و افراط و تفریط و بدون تعمق و اندیشه و ناشی از رفتارهای هیجانی برخی افراد است و نه سیره اهل بیت(ع) و نه بزرگان ما بر این منوال نبوده است.

ایکنا:

بستگی به زاویه نگاه ما به غدیر دارد؛ آیا آن را رخدادی در تاریخ می‌بینیم یا رخدادی تاریخی می‌بینیم که با سرنوشت بشریت گره خورده است. دقیقاً مانند رسالت پیامبر(ص) که ممکن است گفته شود بعثت خاتم النبیین رخدادی در تاریخ است و یا رخدادی تاریخی است که با ابدیت انسان و هستی گره می‌خورد و به زندگی انسان مبنا می‌دهد؛ ادله‌ای هم که نوعاً متکلمان اقامه می‌کنند همان ادله رسالت است. بنابراین پیام اصلی عید غدیر همان پیام مبعث برای امروز است و برای غیر شیعه و غیرمسلمین هم همان پیام بعثت انبیاء و به خصوص بعثت خاتم النبیین را به همراه دارد؛ البته چرا سخن از پیام بگوییم باید بگوییم آیا بعثت و غدیر برای امروز و جهان بشریت معنابخشی به زندگی آنان دارد؟ جواب آری است؛ اگر خدای رب و حکیم و رحمان نبود چنین رسالتی را پدید نمی‌آورد و در تداوم آن، غدیر را ایجاد نمی‌کرد، بنابراین فلسفه خلقت و سعادت ابدی ما در گرو رسالت انبیاء و پذیرش آن و پذیرش غدیر در تداوم رسالت پیامبر(ص) است.

اگر رسالت نبی خدا، رحمت للعالمین به تعبیر قرآن است غدیر هم رحمت للعالمین است زیرا در تداوم آن است و با نگاه دقیق‌تر، ولایت، باطن رسالت است، و از منظر کلامی و عقلی هم قاعده لطفی که می‌گوید رسالت انبیاء بر خدا لازم است همان قاعده تایید می‌کند که غدیر هم لازم بوده است. خداوند هدایتگری بشر را بر عهده خود گذاشته است و ولایتی را که در آیه شریفه «انما ولیکم» بیان فرموده در ردیف ولایت و رسالتی است که برای پیامبر اعظم(ص) تعیین فرمود. بنابر احادیث متواتر، این آیه در شان امام علی(ع) نازل شده است و اگر موارد تکراری را حذف کنیم از ۵۰ طریق نقل شده است. از ۱۴ صحابه و چند نفر از تابعین.

غدیر، تفسیر این آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» است یعنی «ما انزلی» که پیامبر مامور تبلیغ و تعلیم و نه فقط قرائت آن است همان ولایتی است که در آیه ۵۵ مائده بیان شد. یعنی ایشان در غدیر آیه ولایت را تعلیم دادند و تبلیغ و تبیین کردند. پیامبر(ص) دست امیرالمؤمنین(ع) را در غدیر گرفتند و بخشی از آیه ولایت در قالب سمعی بصری به مردم ارائه کرده و حدیث شریف غدیر را قرائت کردند. «من كنت مولاه...».

بنابراین غدیر رخدادی تاریخی است که با سرنوشت بشریت گره خورده است و ادله عرفانی، عقلی و قرآنی مؤید آن است و این سه ادله از همدیگر جدا نیستند. اگر کسی غدیر را برای غیر شیعه و غیرمسلمین نمی‌داند از فلسفه خلقت بشر و بعثت انبیاء غافل است.

ایکنا:

اینکه پیامبر(ص) در صحرای غدیر از همه مردم اقرار به شهادت گرفتند که پیام خدا را ابلاغ کرده و همه هم شهادت دادند نشان می‌دهد که بحث خطبه غدیر خیلی مهم است، این خطبه آخرین

خطبه پیامبر(ص) خدا و شاید جمع‌بندی کل رسالت انبیاء در طول تاریخ عمر بشریت است و نه فقط رسالت حضرت خاتم النبیین(ع) و سیاستگذاری برای تداوم حیات بشری تا قیامت برای همه جهان بشریت. از این رو باید این خطبه در قالب‌های گوناگون رسانه‌ای و هنری به بشر عرضه شود همانطور که پیامبر(ص) این کار را کردند.

آنچه در مورد این خطبه قطعی و بلاشک است وجود همین قطعه «من کنت مولا...» است و باید اطراف و اکناف سند این خطبه را ببینیم و هر آنچه از آن به ما رسیده بیان شود.

ایکنا:

غدیر را باید با رخداد محرم و محرم را با رخداد غدیر تبیین کنیم، در واقع رخداد کربلاء، احیای غدیر و غدیرف فلسفه کربلاست که به آن معنا و مبنا می‌دهد. به نظر بنده چه از غدیر و چه از محرم بگوییم فرقی ندارد و احیای هر کدام احیای دیگری است و از چند نظر با هم پیوند قطعی دارند؛ یکی اینکه معمار، کربلا، تداوم امر غدیر است و به عنوان ولی جامعه اقدام به یک نهضتی کرده تا دین و رسالت را احیاء کند.

در تفکر شیعه، اگر پیامبر(ص) فرمودند: من کنت مولا فعلی مولا؛ این موضوع درباره امامان دیگر هم وجود دارد یعنی من کنت مولا فحسن بن علی مولا. اینکه چرا پیامبر(ص) امر ولایت علی(ع) را اینچنین رسمی اعلام کرد زیرا او خاتم نبیین است و امر ولایت باید در انسان معصومی بعد از پیامبر تداوم یابد تاحجت بر بندگان خدا تمام شود و به کامیابی حقیقی نائل شوند. بنابراین بعد از شهادت امام علی(ع) هم بشر نیاز به هدایت و نیکیبختی ابدی دارد و همه ادله تکرار می‌شود بنابراین باید کسی در وزان علی(ع) باشد که ولایت او در ردیف ولایت علی(ع) باشد و آن حسن(ع) است و به ترتیب ائمه(ع) اثنی عشر. بنابراین اگر در سوگ امام حسن(ع) باشیم و از صحیفه سجادیه سخن بگوییم یا از احادیث امام باقر(ع) و امام صادق(ع) گویی از غدیر سخن گفته‌ایم. اگر از خطبه فدکیه سخن بگوییم هم گویی از غدیر حرف زده‌ایم.